

مطالعه تطبیقی تعریف و مجازات جرم زنا در قوانین کیفری کشورهای ایران و مصر

(با تأکید بر فقه مذاهب خمسسه)

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

مسعود قهرمانی

دانش آموخته حقوق کیفری و جرم‌شناسی و مدرس دانشگاه

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۲،
صفحات ۱۶-۱

چکیده

مطالعه تطبیقی همواره از جایگاه مهم و پرجاذبه در علوم انسانی و بخصوص علم حقوق برخوردار بوده است. از جمله ثمرات مطالعه تطبیقی یافتن نقاط مشترک و در مقابل رفع ضعف‌های احتمالی قوانین داخلی و از همه مهمتر حرکت به سمت وضع قوانین واحد کیفری بخصوص برای کشورهای اسلامی است. از جمله مباحث مهمی که قابلیت بررسی و واکاوی تطبیقی دارد حدود اسلامی است. جرم زنا در بین فرق اسلامی بعنوان یکی از حدودی که مورد وضع شارع مقدس بوده همواره محل بحث و تبیین بوده است. این نوشتار مختصر در پی تطبیق دیدگاه‌های فقه مذاهب خمسسه اسلامی با قوانین جزایی ایران و مصر در مفهوم جرم زنا و مجازات آن می باشد. در همین راستا سوالی مطرح می شود که آیا قوانین ایران و مصر در رابطه با موضوع حاضر مطابقتی با مواضع و نظرات فقه اسلامی دارند؟ که به نظر می رسد هر دو کشور در اصل جرم انگاری پیرو نظرات فقهی بوده اما در تعیین نوع و میزان مجازات و تبعیت از مجازات شرعی یا مجازات های عرفی متفاوت هستند.

واژگان کلیدی: حقوقی تطبیقی، حدود اسلامی، جرم زنا، مجازات شرعی، مجازات عرفی

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025 ,Sixth year ,Issue 22

Pages 1-16

A Comparative Study of the Definition and Punishment of the Crime of Adultery in the Criminal Laws of Iran and Egypt (With Emphasis on the Jurisprudence of the Five Schools of Thought)

Masoud Ghahremani Graduate of Criminal Law and Criminology and University Lecturer

Abstract

Comparative study has always had an important and attractive position in the humanities, especially in the science of law. Among the fruits of comparative study is finding common points and, on the other hand, eliminating possible weaknesses in domestic laws, and most importantly, moving towards establishing uniform criminal laws, especially for Islamic countries. Among the important topics that can be examined and analyzed comparatively is Islamic limits. The crime of adultery among Islamic sects, as one of the limits that was established by the holy law, has always been a subject of discussion and explanation. This brief article seeks to compare the views of the jurisprudence of the five Islamic schools of thought with the criminal laws of Iran and Egypt in the concept of the crime of adultery and its punishment. In this regard, a question arises as to whether the laws of Iran and Egypt in relation to the present issue are consistent with the positions and opinions of Islamic jurisprudence? It seems that both countries follow jurisprudential views in the principle of criminalization, but they differ in determining the type and amount of punishment and adherence to Sharia punishment or customary punishments.

Keywords: Comparative law, Islamic limits, crime of adultery, Sharia punishment, customary punishment

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

مطالعه تطبیقی همواره از جایگاه مهم و پرجاذبه در علوم انسانی و بخصوص علم حقوق برخوردار بوده است. در این بین مطالعه تطبیقی مباحث حقوق کیفری بین المذاهب و همچنین حقوق کیفری کشورهای اسلامی به منظور اثرگذاری بیشتر حقوق کیفری در زندگی بشر از اهمیت و جایگاه بالاتری برخوردار است. از جمله ثمرات مطالعه تطبیقی یافتن نقاط مشترک و در مقابل رفع ضعفهای احتمالی قوانین داخلی و از همه مهمتر حرکت به سمت وضع قوانین واحد کیفری بخصوص برای کشورهای اسلامی است. در همین راستا از موضوعات قابل بررسی که نیازمند مذاقه و تدقیق همه جانبه فقهی و حقوقی است، واکاوی مفهوم جرم زنا و مجازات آن در مذاهب مختلف اسلامی است. این نوشتار مختصر در پی تطبیق دیدگاههای فقه مذاهب خمسسه اسلامی با قوانین جزایی ایران و مصر در مانحن فیه است. همواره تحقیقات تطبیقی حاوی رهیافت هایی نو هستند که در صورت توجه می توانند منشاء تحولات باشند. این تحقیق نیز مستثنی نیست. در همین راستا سوالي مطرح می شود که آیا قوانین ایران و مصر در رابطه با موضوع حاضر مطابقتی با مواضع و نظرات فقه اسلامی دارند؟ در پاسخ به این سوال، به نظر می رسد هر دو کشور در اصل جرم انگاری پیرو نظرات فقهی بوده اما در میزان مجازات مصر به هیچ عنوان از نظرات فقه عامه استفاده نکرده و مجازات عرفی وضع نموده و در مقابل ایران بطور کامل چه از حیث جرم انگاری و چه تعیین میزان و حدود مجازات زنا مطابق فقه امامیه اقدام به قانونگذاری نموده است. با این توضیح در بخش اول به مذاقه در مفهوم، تعریف و مجازات زنا از حیث فقه اسلامی (عامه و

خاصه) پرداخته و در بخش دوم نیز بررسی این جرم در قوانین کیفری ایران و مصر انجام و سپس در بخش سوم نتیجه گیری از مطالب مطروحه بیان گردیده است.

بخش اول: واکاوی تعریف و مجازات زنا در فقه اسلامی

تعریف زنا و ارکان آن در مذاهب خمسسه

زنا در لغت به معنای فسق، بی عفتی، بغی و فجور آمده است. در اصطلاح فقه و حقوق به جماع و آمیزش نامشروع زن و مرد گفته می شود. از آنجا که برای این عمل در فقه مذاهب خمسسه و قوانین کیفری کشورهای اسلامی مجازات تعیین شده لزوم واکاوی تعریف و ارکان آن ضروری به نظر می رسد. در این فصل ابتدا نظرات و دیدگاههای فقهی اهل سنت در رابطه با تعریف و ارکان زنا آورده و در ادامه به نظرات فقهی امامیه پرداخته می شود.

مبحث اول: زنا در مذاهب اهل سنت

فقهی اهل سنت تعاریف مختلفی از زنا آورده اند، از جمله اینکه زنا همان عمل فحشائی است که در قُبُل و یا در دُبُر شخصی دیگر انجام شود^۱ یا اینکه زنا عبارت است از نزدیکی به حرام با زنی از جلو یا عقب^۲. شربینی، فقه شافعی، نیز زنا را این گونه تعریف کرده که داخل کردن ذکر در فرج زنی به حرام که اشتهای جنسی دارد و خالی از شبهه است^۳. البته به نظر می رسد تعریف جامع و کامل را کاسانی، فقه حنفی، مطرح کرده باشد. وی می نویسد که زنا اسمی

^۱ شیخ محمد الشربینی الخطیب، مغنی المحتاج، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۴۴.

^۲ منصور بن یونس البهوتی، کشاف/فتاوح، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۱۴.

^۳ ابومحمد عبدالله ابن قدامه، المغنی، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۵۲.

زنی عاقل و بالغ رابطه جنسی داشته باشد، فعلش مصداق زنا نخواهد بود، ولی اگر دیوانه‌ای با زن بالغ و عاقل رابطه جنسی برقرار نماید، در این صورت، زنا محقق شده و زن زناکار مستوجب مجازات حدی خواهد بود.^۵ در این میان، فقهای شافعی و حنبلی نیز معتقدند در زنا نابالغ یا دیوانه با زنی بالغ و عاقل زنا محقق می‌شود و زن مستحق مجازات حدی خواهد بود.^۶

حال اگر مسئله عوض شود و زناکار شخصی بالغ و عاقل باشد، در این صورت، از دیدگاه تمام فقهای مذاهب چهارگانه، عاقل بودن زانیه (زن) موضوعیت ندارد و، در هر صورت، زانی (مرد) مستحق مجازات حدی خواهد بود، چون در این میان زنا از طرف او کامل و تام واقع شده است.^۷

ولی اگر مرد بالغ و عاقل با دختری نابالغ زنا کند، در این صورت، بین فقهای مذاهب اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. از دیدگاه مذاهب شافعی و حنفی، بالغ بودن زانیه نیز موضوعیت ندارد و زنا با نابالغ مستوجب مجازات حدی است.^۸ ولی فقهای حنبلی و مالکی معتقدند در صورتی که بالغ و عاقل با دختر صغیره‌ای که با امثال او زنا ممکن نیست نزدیکی نماید مستوجب حد نمی‌شود.^۹ نکته قابل ذکر اینکه در برخی کتب اهل سنت، در خصوص دختر صغیره، از

است برای هرگونه نزدیکی حرام که در قُبُل زنی زنده و در حالت اختیار و در کشوری اسلامی از سوی کسی که متلزم به احکام اسلامی است انجام پذیرد.^۱

در این تعریف، قیودی مطرح شده که مختصراً برخی از قیود توضیح و شرح داده می‌شود:

۱- وقوع نزدیکی حرام

در واقع، زنا زمانی واقع می‌شود که از سوی فردی مکلف یعنی عاقل و بالغ انجام پذیرد، ولی اگر زانی شخصی نابالغ یا دیوانه باشد، در این صورت، زنا مستوجب حد واقع نشده است، چرا که اساساً این دسته از افراد مکلف نیستند.^۲

لذا نزدیکی آنها مصداق وطی حرام نیست.^۳

در دیدگاه فقهای حنفی، حتی زنی که با او زنا شده، ولو با رضایت زن، مستحق حد نمی‌شود، زیرا در واقع زن فعلی انجام نمی‌دهد، بلکه او مزنی‌بها است، و اگر هم به او زانیه می‌گویند، مجاز است و اساساً او دخول نمی‌کند و همیشه مفعول واقع می‌شود.^۳

به عبارت دیگر، فقهای حنفی معتقدند اصل در زنا فعل مرد است و فعل زن تابع است. پس، اگر به فعل اصلی حکم شرعی جاری نمی‌شود، بر موضوع تبعی نیز حکم شرعی جاری نیست.^۴ اما در دیدگاه فقهای مالکی، اگر نابالغی با

^۵ شاه ملک پور، حسن، همان، ص ۱۵.

^۶ همان، ص ۱۵.

^۷ ابومحمد عبدالله بن قدامه، همان، ص ۱۵۲.

^۸ شیخ محمد الشربینی الخطیب، همان، ص ۱۴۶.

^۹ شاه ملک پور، حسن، همان، ص ۱۵.

^۱ علاءالدین الکاسانی، بدایع/صنایع، پاکستان، المکتبه الحبییه، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۳۴.

^۲ منصور بن یونس البهوتی، همان، ص ۱۲۳.

^۳ شاه ملک پور، حسن، فقه جزایی اهل سنت در مقارنه با فقه شیعه، تهران، میزان، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۵.

^۴ شمس‌الدین السرخسی، المبسوط، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق، ج ۹، ص ۵۵؛ علاءالدین

الکاسانی، همان.

و زنا اسمی است برای نزدیکی در قبل زن و این دو اسم از هم جدا هستند و احکام جداگانه دارند.^۳ البته ابویوسف و شیبانی، از بزرگان مذهب حنفی، به همراه سه مذهب حنبلی و شافعی و مالکی، موافق این نظر نیستند و زنا را اعم از نزدیکی در قبل و دبر می‌دانند.^۴

این قدامه، در تأیید نظریه شمولیت، چنین استدلال می‌کند که در قرآن آمده «واللاتی یتأتین الفاحشه من نسائکم»، یعنی انجام فحشاء مجازات دارد که بنا به قول مفسرین همان جرم زنا است. همچنین، در قرآن عمل لواط فاحشه نامیده شده است. در حالی که آنها در دبر و طی (نزدیکی) می‌کردند. بنابراین، نزدیکی در دبر زنان نیز مصداق فحشا محسوب می‌گردد و همان زنا است.

بهوتی، دیگر فقیه حنبلی، نیز وطی و نزدیکی در دبر را مصداق فعل فاحشه و زنا می‌داند و معتقد است که همان مجازات زنا را دارد، یعنی اگر محصن است رجم و اگر غیرمحصن است یکصد تازیانه و تبعید.^۵

شربینی، ضمن تأیید نظریه شمولیت، به روایتی استناد می‌کند که در آن از قول پیامبر پیامبر (ص) آمده است: «هرگاه مردی با مردی دیگر نزدیکی کند، آن دو زانی محسوب می‌گردند» و لذا، نتیجه می‌گیرد که نزدیکی از دبر نیز زنا نامیده می‌شود.^۶ سایر فقهای شافعی نیز همین رأی را پذیرفته‌اند.^۷

اصطلاح «المشتهاه» استفاده می‌شود، یعنی زنا با دختر صغیره‌ای که اشتهای جنسی ندارد.

درواقع، این‌گونه اعمال (زنای با صغیره) ولو اینکه بسیار شنیع است و ذات انسان از آن تنفر دارد، اما مصداق عمل جنسی و رابطه نامشروع زنا محسوب نمی‌شود. ابن‌قدامه، فقه حنبلی، در این باره می‌نویسد که اگر دختر صغیره به گونه‌ای باشد که قابلیت و امکان نزدیکی با او وجود داشته باشد، زنا مصداق پیدا می‌کند و اگر دختر نابالغ به گونه‌ای است که اصلاً صلاحیت و امکان نزدیکی با او وجود ندارد، در این صورت، همانند نزدیکی با مرد مورد اختلاف است.

ابن‌قدامه، در ادامه بحث، از قاضی، یکی از فقهای اهل سنت، نقل می‌کند که نزدیکی با دختر بچه زیر نه سال حد ندارد، چون آنها اشتهای جنسی ندارند؛ و همین طور زنی که با پسر بچه زیر ده سال زنا می‌کند حد ندارد، چرا که در این حالت وطی امکان ندارد. البته نه سال و ده سال ملاک نیست، بلکه ملاک امکان وطی و نزدیکی است.^۱

در انتهای بحث، باید بگوییم که زنای در حالت خواب نیز از مصادیق نزدیکی حرام خارج است، یعنی زنی که در خواب با او زنا شده باشد مستوجب اجرای حد بر زن نمی‌شود.^۲

۲- نزدیکی در قبل

از نظر ابوحنیفه، نزدیکی در دبر (عقب) مصداق زنا نیست، چرا که از نظر مشارالیه لواط یعنی نزدیکی در دبر زنا نیست

^۱ ابومحمد عبدالله بن قدامه، همان.

^۲ علاءالدین الکاسانی، همان.

^۳ شیخ محمدالشربینی الخطیب، همان، ص ۱۴۴.

^۴ شاه ملک پور، حسن، همان، ص ۱۷.

^۵ شاه ملک پور، حسن، همان، ص ۱۷.

^۶ ابومحمد عبدالله بن قدامه، المغنی، همان.

است، یعنی نکته اختلافی آن است که آیا مرد مکره قابلیت
نعوظ و امکان نزدیکی را دارد؟

برخی فقهای شافعی معتقدند که زانی اگر مکره باشد
مستحق مجازات (حد و تعزیر) نیست و مستند اصلی آنها
نیز حدیث رفع القلم است. در واقع، در این دیدگاه، انتشار
عضو جنسی و نعوظ مرد مکره به مقتضای تحریک و انفعال
جنسی است که این امر یک امر طبیعی است.^۵ در حالی که
فقهای حنبلی در اجرای حد بر زانی مکره تأکید دارند.

اساس استدلال حنابله این است که وطی و نزدیکی بدون
انتشار آلت جنسی ممکن نیست و انتشار عضو جنسی نیز
دلالت بر عدم اکراه شخص می‌کند. لذا، انجام نزدیکی در
حالت اکراه مستحق مجازات حدی است.^۶

البته اگر زنی با مردی که در خواب است زنا کند، یعنی
استدخال نماید (آلت جنسی مرد را فرج خود قرار دهد)،
مستحق حد هست، ولی مرد مستحق مجازات نیست، چرا
که در حالت خود تکلیفی برای او متصور نیست، چرا که در
حالت خواب تکلیفی برای او متصور نیست و او مرتکب فعل
زنا نشده است.^۷

در میان فقهای مالکی، برخی معتقدند که مکره بودن مرد
در زنا مصداق دارد و مجازات او را مرتفع می‌سازد. در حالی
که اکثر فقهای مالکی مخالف این رأی هستند و ادعای اکراه

اما مالک، رئیس مذهب مالکی، نزدیکی از دبر زن اجنبی
را مصداق زنا و مستحق حد می‌داند. او معتقد است حتی
اگر این نزدیکی بدون رضایت زن باشد، مستوجب مهرالمثل
(خسارت مالی) نیز خواهد بود.^۱

در این میان، برخی فقهای اهل سنت در توجیه نظریه
شمولیت می‌نویسند که نزدیکی در دبر، چون مورد قصد
عرفی واقع می‌شود، مستوجب مجازات حدی خواهد بود.

به عبارت دیگر، اگر دخول در قبل که فی‌نفسه مباح
است، مستوجب حد می‌شود، دخول در دبر، به طریق اولی،
مستوجب حد خواهد بود، چرا که فی‌نفسه دخول در آن
مباح شمرده نشده است.^۲

۳- مختار بودن زانی و زانیه

از جمله شرایط تکلیف اختیار و آزادی عمل است. پس،
زانیه که بدون اختیار و رضایتش با او نزدیکی شود مستحق
مجازات نیست.^۳ از همین رو، تمکین زن به واسطه اکراه، بنا
به حدیث رفع القلم، مستوجب حد زنا نمی‌شود، چرا که او
همچون نائم مسلوب‌الاختیار است.^۴

اما در خصوص مکره بودن فاعل زنا، یعنی مرد زانی، بین
فقهای اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. عمده اختلاف هم
مبتنی بر امکان یا عدم امکان نزدیکی در حالت اکراه واقعی

^۵ همان.

^۶ ابومحمد عبدالله ابن قدامه، همان، ص ۲۴۲.

^۷ شاه ملک پور، حسن، همان، ص ۲۰.

^۱ همان.

^۲ همان، ص ۱۸.

^۳ علاء‌الدین الکاسانی، همان، ص ۱۸۱.

^۴ شیخ محمد الشربینی الخطیب، همان.

می‌کند، ولی تملکین نیز نوعی فعل است که همان سکوت و عدم انفعال است و قابلیت دارد که به وصف حرمت درآید.

خداوند نیز فاعل بودن او را قبول کرده و از او به زانیه نام برده است. بنابراین، در ارتکاب زانی به اکراه، مرد و زن با یکدیگر تفاوتی ندارند و فعل هر دو، به لحاظ حکم تکلیفی، حرام است.^۴ مسئله قابل طرح این است که اگر زانی در ارتکاب زانی به عنف خود نیز مکره باشد چه آثار وضعی بر این عمل مترتب خواهد شد؟

در این خصوص، ابوحنیفه و ابویوسف و شیبانی معتقدند که زانی مستحق مجازات نیست و صرفاً باید به مزنی بها مهرالمثل بپردازد. به نوشته کاسانی، زنا کردن در حاکمیت اسلام از دو اثر خارج نیست: یک اثر جزایی است که همان مجازات است و یک اثر مدنی است که همان پرداخت غرامت و خسارت (مهرالمثل) است.

در موضوع مورد بحث، پرداخت غرامت به عهده زانی مکره است، چون به هر حال ارتکاب فعل زنا جز به توسط شخص مکره قابل تصور نیست و در چنین مواردی ضمان مالی به عهده خود شخص مکره خواهد بود.^۵

قرافی، فقیه مالکی، نیز در این خصوص می‌نویسد که اکراه مجوز اقدام به زنا برای مرد نیست، زیرا، در هر صورت، حق زن را ضایع کرده است (ولو اینکه تهدید به قتل شده باشد). لذا، او گناهکار است و به جبران خسارت مزنی بها

برای زانی را عذر نمی‌دانند، و لذا، او را مستحق مجازات می‌شمرند.^۱

در این میان، ابوحنیفه قائل به تفصیل است و اساساً تحقق اکراه را، به جز از جانب سلطان و حاکم، نمی‌پذیرد، یعنی معتقد است اگر اکراه زانی از سوی سلطان و حاکم باشد، زانی مستحق مجازات نیست و در غیر این صورت، اکراه محقق نیست، یعنی اگر غیرحاکم کسی را تهدید و اکراه بر زنا کند عذر محسوب نمی‌شود و تهدید اشخاص غیرحاکم نمی‌تواند شخص زانی را معذور نماید.

پس، انتشار عضو جنسی نشانه و دلیل بر شهوت جنسی و رضایت فاعل به این کار است. در میان فقهای حنفی، ابویوسف و شیبانی به عدم اجرای حد و زفر و دیگر فقهای حنفی به اجرای حد فتوا داده‌اند.^۲

البته کاسانی معتقد است به صرف اکراه به زنا، ارتکاب زنا حلال نمی‌شود، بلکه همچنان حرام است، زیرا حرمت زنا و شناخت آن امری عقلایی است. کما اینکه در قرآن نیز آمده است: «ولا تقریبالزنا انه کان فحاشه و ساء سبیلاً»^۳، یعنی شناخت و زشتی به مسلمانان یادآور شده است.

لذا، در هیچ صورتی، به عمل زنا - مثل قتل - رخصت داده نشده و حلال نیست. به همین ترتیب، زنا یا اکراهی زن نیز از شمولیت حرمت خارج نیست. گرچه او صرفاً تمکین

^۴ علاءالدین کاسانی، همان، صص ۱۷۷-۱۷۸.
^۵ همان، ص ۱۸۰.

^۱ همان.
^۲ علاءالدین کاسانی، همان، ص ۱۸۰؛ شمس‌الدین السرخسی، همان، ص ۵۹.
^۳ قرآن، اسراء: ۳۲.

البته برخی از ادعاهای زانی مبنی بر جهالت پذیرفتنی نیست، مثل شخص تازه مسلمان که ادعا کند که از احکام شرعی اطلاع ندارد، در حالی که در میان مسلمانان زندگی کرده باشد.^۵

در این خصوص، برخی از فقهای حنفی متعرض بحث هستند ولی درباره برخی از مصادیق مورد شبهه نزد ابوحنیفه شبهه ندارند.^۶

فارغ از هر گونه نقد و بررسی نظرات فقهی مذاهب اهل سنت، علمای عامه در موضوع حاضر بصورت دقیق و مبسوط نظرات خود را ابراز داشته‌اند. در ادامه به بررسی نظرات فقهی شیعه پرداخته می‌شود.

مبحث دوم: زنا در فقه امامیه

فقهای امامیه در باب حدود و به خصوص حد زنا مفصل و مبسوط به بحث نشستند. در این مبحث ابتدا به تعریف فقهی جرم زنا پرداخته و در ادامه مختصراً دیدگاه‌های فقهای خاصه در مورد ارکان جرم زنا بیان می‌گردد.

امام خمینی(ره) در کتاب تحریر الوسیله در تعریف زنا آورده است: یتحقق الزنا الموجب للحد بإدخال الإنسان ذکره الأصلی فی فرج امرأة محرمة علیه أصالةً من غیر عقد نکاح

یعنی پرداخت مهرالمثل محکوم می‌شود. بله، اگر زن او را به اکراه، وادار به زنا (با خودش) کرده باشد، اقدام به زنا جایز خواهد بود، چون زن زانی با خودش را مباح کرده است^۱

۴- نزدیکی در حالت شبهه

تقریباً تمام مذاهب اهل سنت به شرط مزبور اذعان داشته و آن را مطرح کرده‌اند.^۲ در این موضوع، فقهای اهل سنت به سه شبهه اشاره می‌کنند:

الف) شبهه فاعل (همان اشتباه): مثل اینکه زن اجنبی را به جای همسر خویش گرفته باشد و با او نزدیکی کند (شبهه موضوعی از نوع مصداقی)؛

ب) شبهه در فعل: در حق کسی است که حلیت و حرمت عملی بر او مشتبه شده باشد، مثل نزدیکی با زنی که فاسد بودن ازدواج با او مورد اختلاف فقهی است یا ازدواج با دختری بدون اذن ولی یا بدون حضور شاهد. فقهای حنبلی معتقدند اساساً نزدیکی در مواردی که در اباحه وطی و نزدیکی اختلاف نظر فقهی وجود دارد موجب شبهه می‌شود^۳؛

ج) شبهه در محل (شبهه حکمی): این شبهه به اعتقاد فاعل ربطی ندارد، بلکه ناشی از تشکیک و تردید در حکم شرعی است. در این بحث، مهم‌ترین استناد فقها به این قاعده معروف- به نقل از پیامبر(ص)- است: «تدرء الحدود بالشبهات»^۴.

^۴ علاءالدین الکاسانی، همان.

^۵ شاه ملک پور، حسن، همان، ص ۲۶.

همان.

^۱ شاه ملک پور، حسن، همان، ص ۲۱.

^۲ منصور بن یونس البهوتی، همان.

^۳ ابو محمد عبدالله ابن قدامه، همان؛ منصور بن یونس البهوتی، همان.

۳- سوالی مطرح است که آیا مرد در تحقق زناى موجب حد، باید مباشرت در ادخال داشته باشد؟ به بیان دیگر، آیا ادخال الانسان ظهور در مباشرت دارد با اعم است از جایی که مردی خود را در اختیار زنی گذاشته و زن مباشر این عمل شود؟ این فرع فقهی، قابل تأمل و مورد ابتلا در باب قضا است. ظاهراً از این تعبیر، عمومیت استفاده می‌شود؛ زیرا، ملاک حد، لذت و خواست نامشروع است؛ و در این ملاک فرقی نیست بین این که مباشر مرد باشد یا زن.

۴- آنچه در ظاهر روایات آمده و مشهور با شهرتی عظیم به آن فتوا داده‌اند عدم فرق بین وطی در قبل و دبر است.

البته علاوه بر مطلب بالا، به مشهور فقهای شیعه منتسب است که آنان نزدیکی در قبل و دبر را مصادق زنا می‌دانند.^۳ استناد فقهای شیعه اطلاق روایتی است که در آن آمده است: «إذا الدخلة فقد وجب الغسل و المهر و الرجم».^۴ البته در نظریه‌ای غیرمشهور، برخی فقهای معاصر شیعه نیز زناى مستوجب حد را صرفاً نزدیکی از قبل دانسته‌اند^۵ که به نظر می‌رسد، با توجه به معنای عرفی زنا، همین نظریه صحیح باشد. افزون بر این، در این خصوص، با یک مفهوم حقیقت شرعیه روبه‌رو نیستیم.

دائماً أو منقطعاً و لا ملک من الفاعل للقابله و لا تحلیل و لا شبهه مع شرائط یأتی بیانها^۱

(تحقق زناى موجب حد، به این است که انسان آلت اصلی مردانگی اش را در فرج زنی که اصالتاً بر او حرام است داخل نماید، بدون وجود عقد ازدواج دائم یا منقطع و بدون ملک بودن قابله (زنا دهنده) برای فاعل و بدون تحلیل و بدون شبهه، با شرایطی که بیان آن‌ها می‌آید.)

شیخ مفید نیز در تعریف زنا آورده است: زناى موجب حد، جماع زنی است که خداوند جماع با او را حرام کرده است بدون اینکه عقد مشروعی صورت گیرد؛ هرگاه جماع در آلت تناسلی زن باشد نه غیر آن.^۲

در شرح عبارات وارده فقهای امامیه و بخصوص تعریف امام خمینی(ره)؛ آیت الله شیخ محمد فاضل لنکرانی(ره) در دروس خارج فقه خود بیان می‌کند:

در تعریف زنا نکاتی وجود دارد که باید به آن‌ها دقت شود:

۱- اگر به صغیره یا مجنونه و یا مکره تجاوز شود، نسبت به آنان، زناى موجب حد نیست؛ یا اگر زن و مردی را بر زنا اکراه کردند، وطی فرد مکره حرمت شرعی و حد ندارد. بنابراین، قید الموجب للحد قیدی احترازی است.

۲- عبارت ادخال الانسان شامل بالغ، عاقل، صغیر و مجنون می‌شود؛ در حالی که در مسائل بعد، بلوغ، عقل و اختیار را معتبر می‌دانند.

^۱ موسوی بجنوردی، محمد، مباحث حقوقی تحریر الوسیله، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۵۵.

^۲ زراعت، عباس، شرح مبسوط قلتون مجازات اسلامی، حدود(جرایم منافی عفت)، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل، ۱۳۹۳، ص ۱۳۵.

^۳ حسن بن یوسف حلی (علامه)، مختلف الشیعه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۱۶۱؛ محمدحسن نجفی، جواهرالکلام (کتاب الحدود)، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۰.

^۴ محمدبن حسن حرعاملی، وسایل الشیعه، بیروت، دار الاحیاء، التراث العربی، بی تا، ج ۱۸، باب ۶ از ابواب جنایت، ح ۱.

^۵ حسینعلی منتظری، کتاب الحدود، قم، دارالفکر، بی تا، ج ۱، ص ۹.

مبحث اول: مذاهب اهل سنت

در فقه اهل سنت، با توجه به خصوصیات مجرم، دو قسم مجازات برای زناکار مطرح شده که عبارتند از: (۱) یکصد تازیانه (جلد)؛ و (۲) رجم. البته گاهی علاوه بر این دو مجازات اصلی تبعید مجرم یا حبس نیز مطرح و به تناسب نوع جرم و براساس فتاوی فقهای مذاهب اعمال می‌شود.^۳

(۱) جلد: این مجازات براساس آیه «الزانیه و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلد»^۴ سوره نور در قرآن کریم تعیین شده است. عمدتاً فقهای اهل سنت این مجازات را برای زناکار غیرمحسن معین نموده‌اند و بر آن اتفاق نظر دارند.

اما در اینکه علاوه بر آن به مجازات تغریب (تبعید) نیز حکم شود هم‌نظر نیستند.^۵ حنفیه به این تجمیع قائل نیستند و مجازات تبعید را قبول ندارند.^۶ استدلال آنها این است که براساس آیه مزبور مجازات زناکار فقط یکصد تازیانه تعیین شده و اگر براساس روایات وارده تبعید را نیز مجازات بدانیم، کانه بر مجازات منصوص چیزی افزوده‌ایم که در این صورت مجازات قرآنی نسخ می‌گردد، در حالیکه نسخ نص قرآن با روایت جایز نیست.^۷

بنابراین، در دیدگاه حنفیه، تبعید زناکار مجازات حدی نیست، بلکه نهایتاً با نظر حاکم و مصلحت‌سنجی او می‌تواند اجرا گردد. کما اینکه مجازات حبس نیز عملی است.

۵- نکته آخر که مورد توجه صاحب کتاب تفصیل الشریعه فی تفسیر تحریر الوسیله قرار گرفته عدم جامعیت تعریف زنا می‌باشد. ایشان بیان می‌کنند این تعریف وارده شامل زناى زن نمی‌شود؛ در حالی که ممکن است عمل وطی نسبت به مرد مصداق زنا نباشد ولی همان عمل، در حق زن زنا باشد. مانند موردی که زن می‌دانسته فلان مرد شوهرش نیست اما مرد به خیال اینکه زن همسرش است با او وطی کرده است. با اضافه کردن عبارت (تمکین زن برای وطی کردن مردی که بالاصاله با او حرام است) این اشکال دفع می‌شود.^۱

نکته آخر اینکه براساس فقه شیعی، زناکار بایستی به تحریم زنا علم داشته باشد. چنانکه باید به موضوع جرم نیز آگاه باشد. در کتب فقهی از این شرط به «عدم وجود شبه» نام برده شده و محقق حلی از جمله شرایط اجرای حد را علم به تحریم می‌داند.^۲

مجازات زنا

در مذاهب فقهی اسلامی بعد از تبیین مفهوم، تعریف و ارکان و شرایط تحقق زنا به مجازات این جرم پرداخته شده که در این فصل به صورت مزجی و ترکیبی البته با رعایت اختصار دیدگاه‌های عامه و خاصه بیان می‌گردد.

^۵ شاه ملک پور، حسن، همان، ص ۲۷.
^۶ محمدبن حسن طوسی (شیخ الطائفة)، المبسوط، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۸۷ ق، ج ۹، ص ۴۴.
^۷ همان.

^۱ فاضل لنگرانی، محمد، آیین کیفری اسلام، (شرح فارسی تحریر الوسیله)، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۹۰، صص ۱۹۶ الی ۱۰۴.
^۲ جعفر بن حسن حلبی (محقق حلی)، همان، ص ۹۳۲.
^۳ علاءالدین الکاسانی، همان، ص ۳۳.
^۴ قرآن، نور، ۲.

برای عرضه شدن و فتنه‌گری دارد. از این رو، نباید او را تبعید کرد.^۵

مکتب ظاهری نیز به استناد روایت نبوی (البکر بالبکر جلد مآه و تغریب عام) با این حکم موافق هستند.^۶

نکته قابل ذکر این که تبعید یک ساله زناکار در مسافتی است که نماز شکسته می‌شود. گفتنی است زن زناکار را به تنهایی تبعید نمی‌کنند، بلکه او را به همراه همسر یا محرمی دیگر تبعید می‌نمایند.^۷

همچنین، اگر زناکار در محل تبعید دوباره مرتکب زنا شود، علاوه بر مجازات جلد، او را به شهری که غیروطن اوست دوباره تبعید می‌نمایند و، در این صورت، مدت تبعید جدید با مدت زمان قبلی تداخل می‌کند، چرا که هر دو مجازات از یک جنس هستند.^۸

در میان فقهای اهل سنت، مالک به تبعید صرف رضایت نمی‌دهد و زناکار را علاوه بر تحمیل یکصد تازیانه، به حبس یک ساله نیز محکوم می‌نماید.^۹ البته فقهای دیگر حبس شدن زانی در تبعیدگاه را رد کرده‌اند.^{۱۰}

۲) رجم: فقهای اهل سنت در مشروعیت مجازات رجم اتفاق نظر دارند و، در این خصوص، به اجماع امت و سنت متواتر استناد می‌نمایند.^{۱۱} از جمله این روایات، روایتی است

همچنین، در تبعید زانی نقض غرض واقع می‌شود، چون تا زمانی که مجرم در شهر خودش ساکن باشد به دلیل حیا و خجالت از آشنایان و ایل و طایفه‌اش از ارتکاب زنا مجدد خودداری می‌کند. در حالی که اگر تبعید شود دیگر منعی ندارد و حتی برای تکرار جرم انگیزه دارد.^۱

در مقابل این دیدگاه، شافعی و حنبله و مالکیه، علاوه بر مجازات حدی، به مجازات تبعید (یکسال) قائلند. چنان که بهوتی می‌نویسد مجازات جلد به نص آیه شریفه سوره نور و مجازات تبعید مستند به قول پیامبر (ص) می‌باشد که فرمود: «البکر بالبکر جلد مائة و تغریب عام»، و، لذا، بهوتی معتقد است که خلفای راشدین به این مجازات عمل کرده‌اند و او مخالفی سراغ ندارد.^۲

شوکانی، به صراحت، ضمن قبول مجازات تبعید برای زناکار، روایات وارده را متجاوز از شهرت می‌داند و معتقد است که با وجود این روایات عذری برای نپذیرفتن آن باقی نمی‌ماند.^۳

در این میان، شافعی اجرای تبعید را برای مرد و زن یکسان می‌داند و استناد آن اطلاق حدیث عباده بن صامت است که در آن زن و مرد را جدا نکرده است (البکر بالبکر)،^۴ ولی مالک براساس حکم قیاسی تبعید زن را قبول نکرده است، زیرا معتقد است زن در تبعید آزادی عمل بیشتری

^۱ علاءالدین الکاسانی، همان، ص ۳۹.

^۲ منصور بن یونس البهوتی، همان، ص ۱۱۷.

^۳ مناصور بن یونس البهوتی، همان، ص ۱۱۸.

^۴ شاه ملک پور، حسن، همان، ص ۲۸.

^۵ شاه ملک پور، حسن، همان، ص ۲۸.

^۶ منصور بن یونس البهوتی، همان.

^۷ همان.

^۸ شاه ملک پور، حسن، همان، ص ۲۹.

^۹ همان.

^{۱۰} همان.

اما صادق (ع) می‌فرمایند: مرد و زن آزاد مرتکب زنا شوند، هر کدام صد ضربه شلاق می‌خورند و اگر محسن و محصنه باشند سنگسار می‌شوند. همچنین اما باقر(ع) نیز می‌فرمایند: مردی که محسن نیست صد ضربه شلاق می‌خورد اما تبعید نمی‌شود.^۴

مسئله دیگر در این بحث این است که اگر کسی ازدواج کرده ولی رابطه جنسی با همسر قانونی خود برقرار نکرده باشد، علاوه بر یکصد ضربه شلاق (جلد)، به سرتراشی و تبعید یکساله نیز محکوم می‌گردد. در واقع، در دیدگاه فقهای شیعه، بکر کسی است که ازدواج کرده ولی هنوز تجربه رابطه جنسی با همسر خود ندارد. در مورد مجازات زنا، محصنه نیز فقهای امامیه در صورت احراز و اثبات قائل به مجازات سنگسار (رجم) همراه با تشریفات خاصی هستند.

آنچه که بیان شد گذری مختصر از دیدگاه‌های مذاهب اسلامی در مورد ماهیت و تعریف جرم زنا و مجازات آن بود. در بخش دوم این نوشتار به بررسی قوانین کیفری کشورهای ایران و مصر بعنوان دو کشور پیشتاز در حقوق کیفری کشورهای اسلامی پرداخته و در انتها میزان انطباق قوانین موضوعه با فتاوی و احکام فقهی وارده در ما نحن فیه مورد مذاقه و ارزیابی قرار می‌گیرد.

از پیامبر (ص)، به نقل از عباده بن صامت: «خذوا عنی البکر بالبکر جلد ماه و تغریب عام والثیب بالثیب جلد ماه و الرجم».^۱

همچنین، به روایاتی استناد می‌کنند که پس از اقرار مرد زناکار - و در یک مورد زن زناکار - پیامبر (ص) به اجرای رجم امر فرمودند.^۲ برخی فقها نیز معتقدند که حکم رجم مضمون آیه‌ای است که بعدها از نظر لفظ نسخ شده ولی حکم آن باقی مانده است.^۳

مبحث دوم: فقه امامیه

در کنار احکام صادره در مورد مجازات جرم زنا در فقه عامه علمای شیعه نیز آراء و نظرات خود را براساس منابع فقهی مطرح نموده‌اند. فقهای شیعه نیز مجازات جرم زنا را بسته به ماهیت آن متفاوت تعیین کرده‌اند. از این رو بر اساس تقسیم زنا به زنا ساده و محصنه و تجاوز به عنف و نزدیکی با محارم مجازات‌های متفاوتی را مورد حکم قرار داده‌اند. در دیدگاه مشهور فقهای شیعه، مجازات جلد عموماً متعلق به زناکاری است که واجد شرایط احسان نباشد، اعم از آنکه مرد باشد یا زن، همچنین اگر زنی که در شرایط احسان است با پسریچهای (نابالغ) زنا کند، مجازات او نیز جلد خواهد بود. فقهای امامیه مجازات جلد (صد ضربه تازیانه) برای جرم زنا را به احادیث وارده در این باره استناد داده‌اند. از جمله می‌توان به روایات ذیل اشاره کرد:

^۱ همان.
^۲ زراعت، عباس، همان، ص ۲۵۴.

^۱ همان.
^۲ همان.

بخش دوم: جرم زنا و مجازات آن در قوانین کیفری

کشورهای ایران و مصر

قانون عقوبات جمهوری عربی مصر

جرم زنا در قانون عقوبات مصر در کتاب سوم (جنایات و جنحه علیه اشخاص) باب چهارم و تحت عنوان هتک حرمت و ایجاد فساد اخلاقی مورد وضع قانونگذار قرار گرفته است. با بررسی قوانین کشور مصر و بخصوص قانون عقوبات با آخرین اصلاحات سال ۲۰۰۹ میلادی (قانون العقوبات المعدل بالقانون ۹۷ لسنة ۱۹۲۲ وقفا لاحدث التعديلات ۱۹۹۴)^۱ به خوبی بدست می‌آید قانونگذار مصر چندان بدنبال تعریف جرم زنا در سیاهه قوانین کیفری نبوده و محتملا فرض را بر روشن بودن مطلب انگاشته و صرفاً در ماده ۲۶۷ زنا را عمل نزدیکی با زنی بدون رضایت دانسته است. در همین ماده آورده است: هر کس با زنی بدون رضایت او نزدیکی کند، به زندان مشدد محکوم می‌شود. بنابراین قانون عقوبات مصر مجازات مشخص برای جرم زنا را حبس دانسته و بسته به نوع عمل ارتكابی مجازات حبس ابد، مشدد و مدت‌دار تعیین نموده است. در ماده ۲۶۸ این قانون بیان شده: هر کس به وسیله تهدید یا اجبار و اکراه مرتکب هتک ناموس کسی شود یا شروع به آن نماید به مجازات حبس با اعمال شاقه از سه تا هفت سال می‌شود.

از جمله نوآوری‌های قانون مصر که در جای خود قابل تأمل نیز می‌باشد میزان مجازات زنا محصنه است.

قانونگذار مصر در ماده ۲۷۴ اشعار می‌دارد: زنی که دارای شوهر است در صورت اثبات ارتکاب زنا به مجازات حبس که بیشتر از دو سال نباشد محکوم می‌گردد. در این صورت شوهر می‌تواند در صورت تعهد زن به ادامه زندگی با او اعلام رضایت نماید و اجرای حکم را متوقف کند. همچنین در ماده ۲۷۷ در مورد زنا محصنه توسط مرد نیز تصریح نموده: هر مردی که در منزل متعلق به زنش مرتکب زنا شود در صورت اثبات امر به تقاضای همسرش به مجازات حبس که بیشتر از شش ماه نباشد محکوم می‌گردد.

قانونگذار مصر زنا محصنه را نه به این عنوان بلکه ماهیتاً جرم‌انگاری نموده و در ماده ۲۷۳ قانون عقوبات تعقیب این جرم را صرفاً منوط به شکایت همسر دانسته است؛ لیکن میزان مجازات تعیینی در خور تعجب و تأمل است. همانطور که گفته شد قانونگذار این کشور برای ارتکاب جرم زنا زندان مشدد در نظر گرفته و این در حالیست که برای مجازات زنا محصنه برای زن حداکثر دو و برای مرد حداکثر شش ماه حبس در نظر گرفته است. حال آنکه آثار و تبعات جرم زنا محصنه به مراتب بیشتر از جرم زنا ساده می‌باشد. از طرفی تبعیض و تفاوت در میزان مجازات زانی و زانیه و عدم توجه به اینکه این جرم دو طرفه و دارای دو بزهکار همزمان می‌باشد از دیگر ضعف‌های این قسمت از قانون کشور مصر می‌تواند باشد.

^۱ قانون العقوبات المعدل بالقانون ۹۷ لسنة ۱۹۲۲ وقفا لاحدث التعديلات ۱۹۹۴، ترجمه محمد حسن حجاریان، انتشارات طرح نوین اندیشه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰، صص ۱۳۹ الی ۱۴۰.

قانون مجازات اسلامی ایران

جرم زنا در قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ در کتاب دوم (حدود) و در بخش دوم تحت عنوان جرایم موجب حد، فصل اول (زنا) مورد بحث و قانونگذاری قرار گرفته است. قانونگذار در ماده ۲۲۱ همین قانون زنا را جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنان نیست دانسته است. بر خلاف قانون عقوبات مصر که زنا نزدیکی بدون رضایت زن تعریف کرده است. با این تعریف و همچنین توجه به مادتين ۲۲۴ و ۲۲۵ بدست می‌آید قانونگذار ایران زنا را اعم از زناي ساده، محصنه و عفت و تجاوز، زنا با محارم دانسته است. در ادامه قانونگذار در تعیین مجازات جرم زنا به تبعیت از فقه امامیه حد زنا را در مواردی که مرتکب غیر محصن (زناي ساده) باشد صد ضربه شلاق در ماده ۲۳۰ تعیین کرده است. در ماده ۲۲۵ نیز مجازات جرم زناي محصنه را در صورت احراز و دارا بودن شرایط مطروحه در ماده ۲۲۶ همان قانون رجم یا سنگسار دانسته است.

نتیجه‌گیری

همانطور که بیان شد جرم زنا در فقه و حقوق کشورهای اسلامی مورد توجه و تدقیق بوده و هست. در این نوشتار سعی شد بصورت مختصر ماهیت و تعریف این جرم به همراه مختصری از نوع و میزان مجازات تعیینی در فقه امامیه و فقه عامه و همچنین در حقوق کیفری کشورهای مصر و ایران آورده شود. به نظر می‌رسد نتایج حاصل از تحقیق حاضر را بتوان بصورت تیتروار به شرح زیر دسته‌بندی و مطرح نمود:

۱- آنچه مسلم است فقه اسلامی و به تبع آن حقوق کیفری کشورهای اسلامی این رفتار را قبیح و در حد

جرم انگاری دانسته و در پی مبارزه با این جرم هستند.

۲- از منابع غنی اسلامی بدست می‌آید سیاست جنایی اسلام در قبال جرم زنا بزه پوشی بوده و چندان بدنبال کشف و تعقیب و مجازات مرتکب نمی‌باشد. نکته بسیار مهم که بعضاً از توجه حقوقدانان اسلامی دور مانده است عدم مجازات تبعی برای جرم زنا است. بدین معنی که اسلام معتقد است در صورت احراز و اثبات این جرم بعد از اجرای حد مرتکب پاک گردیده و می‌تواند به مانند سابق در اجتماع زندگی نماید. حتی در صورت اجرای حد زناي محصنه نیز اسلام معتقد است مرتکب پاک و مستوجب عقوبت اخروی نیست. هر چند فرهنگ عمومی جامعه ایرانی و حتی جوامع اسلامی به نظر می‌رسد بر خلاف این سیاست جنایی اسلام باشد.

۳- همانطور که گفته شد علمای عامه معتقدند جرم زنا هر نوع نزدیکی حرام است. در مقابل علمای خاصه نزدیکی حرام را شرح داده و معتقدند منظور از نزدیکی حرام عدم علقه زوجیت می‌باشد. اگر چنین باشد به نظر می‌رسد توجه و تعریف علمای خاصه در این باره دقیق‌تر و جامع‌تر است.

۴- قانون عقوبات مصر چندان بدنبال تطابق با احکام فقه اهل سنت نبوده است و با اینکه زنا را جرم انگاری نموده؛ لیکن در تعریف و طرق اثبات و بخصوص در تعیین مجازات هیچ تبعیتی از فقه اهل سنت نداشته و از مجازات‌های عرفی استفاده نموده است.

- ۸- علاء‌الدین الکاسانی، بدایع الصنایع، پاکستان، المكتبه الحبیبه، ۱۴۰۹، ج ۷.
- ۹- فاضل لنکرانی، محمد، آیین کیفری اسلام، (شرح فارسی تحریر الوسیله)، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۹۰ ش.
- ۱۰- قانون العقوبات المعدل بالقانون ۹۷ لسنة ۱۹۲۲ وقفا لاحداث التعديلات، ۱۹۹۴، ترجمه محمد حسن حجاریان، انتشارات طرح نوین اندیشه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۱۱- منصور بن یونس البهوتی، کشاف القناع، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق، ج ۶.
- ۱۲- موسوی بجنوردی، محمد، مباحث حقوقی تحریر الوسیله، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۰.
- ۱۳- محمدحسن نجفی، جواهر الکلام (کتاب الحدود)، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۴- محمدبن حسن حرعاملی، وسایل الشیعه، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱۸، باب ۶ از ابواب جنایت، ح ۱.
- ۱۵- محمدبن حسن طوسی (شیخ الطائفه)، المبسوط، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۸۷ ق، ج ۹.

۵- در مقابل قانون مجازات اسلامی ایران بطور کامل چه در جرم انگاری و چه در تعیین مجازات تبعیتی مشهود از فقه امامیه داشته است.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله عزیززاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- ۱- ابومحمد عبدالله ابن قدامه، المغنی، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا، ج ۱۰.
- ۲- حسن بن یوسف حلّی (علامه)، مختلف الشیعه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق، ج ۹.
- ۳- حسینعلی منتظری، کتاب الحدود، قم، دارالفکر، بی تا، ج ۱.
- ۴- زراعت، عباس، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، حدود(جرائم منافی عفت)، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل، ۱۳۹۳ ش.
- ۵- شاه ملک پور، حسن، فقه جزایی اهل سنت در مقارنه با فقه شیعه، تهران، میزان، ۱۳۹۴ ش.
- ۶- شیخ محمدالشربینی الخطیب، مغنی المحتاج، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷، ج ۴.
- ۷- شمس‌الدین السرخسی، المبسوط، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق، ج ۹.